

پل پردلیس

پل پردلیس معبر کلیه کسانی بود که در جهت شمال و جنوب به هر دلیلی از اردبیل می گذشتند. بسیاری از سیاحان و مأموران و مسافران داخلی و خارجی که از ایران به قفقاز و روسیه می رفتند و یا از آن سرزمینها به ایران می آمدند ناگزیر از این پل، که در خاک کاغذکنان یا خونج قرار داشت، می گذشتند. قدیمی ترین منبع تاریخی که از جاده کاغذکنان به اردبیل و پل رودخانه سفیدرود یا قزل اوزن یاد می کند کتاب مسالک و ممالک استخری است. نویسنده در ذکر مسافت آذربایجان از اردبیل تا زنجان می نویسد: «از اردبیل تا پل سپید(پل پردلیس قزل اوزن) دو مرحله و از آنجا تا خونه(خونج=کاغذکنان) دو روز راه، و از خونه تا توث سواران یک روزه، و از توث سواران تا زنگان یک روزه.» از نوشته استخری چنین بر می آید که این پل سالها پیش از تألیف مسالک و ممالک وجود داشته. پتروالاوله جهانگرد معروف ایتالیایی که همراه سپاه شاه عباس اول راهی آذربایجان شد تا شاهد جنگ شاه عباس با سپاه عثمانی باشد، در گذر از کاغذکنان به سوی اردبیل در مورد جاده اردبیل- زنجان و پل پردلیس می نویسد:

بعد از زنجان، بلافاصله جاده به دو قسمت منشعب می شود. یکی به طرف غرب می رود و دیگری به طرف شمال غربی، و این همان جاده ای است که در امتداد جاده سلطانیه واقع شده و به طرف اردبیل ادامه می یابد....هنوز دو فرسنگ راه نرفته بودیم که به معبر بسیار مشکلی رسیدیم که در یک طرف آن دره عمیقی واقع شده بود. معبر به اندازه ای تنگ و پرپیچ بود که باید هر کس به طور انفرادی، آن هم پیاده از آن رد می شد در قعر دره رودخانه ای جاری بود که عظمت چندانی نداشت، ولی چون در این محل عبور از آن غیر ممکن بود یک پل سنگی بر روی آن ساخته بودند که پردلیس خوانده می شد.

آدام اولتاریوس که در سال 1047 هـ. ق همراه هیئت نمایندگی پروس(آلمان) از طریق روسیه و شهر اردبیل راهی پایتخت ایران بود در مورد پل پردلیس می نویسد:

در دهم فروردین پس از صرف نهار به طی طریق ادامه دادیم(سفیر بروگمان توانست سوار بر اسب شود) به تاروس که ایرانیها در اینجا آن را پردلیس می نامند رسیدیم.

پیش از این به دره عمیق که کف آن زمین نامناسب و بدی بود فرود آمدیم. این مکان گویا قرارگاه دزدان و آدم کشان باشد که برای مسافران خطری بزرگ از روبه رو به پایین سرازیر می شود چنانچه پی ببرند که مسافران قادر به ایستادگی چندانی نیستند در محل مناسبی هجوم خود را به قافله آغاز می کنند در کف دره رودخانه قزل اوزن جریان دارد که آب آن کف آلود بود و با سرعت زیاد به مانند تیری از میان تخته سنگهای کوه به پایین سرازیر می شد آب رودخانه سفید و زلال است و از این جهت به زبان طالشی آن را اسپروت می نامند. بر فراز رود پلی زیبا از خشت پخته ساخته اند که دارای نه دهانه است. آدام اولتاریوس در سال 1637 م. از این پل تصویری تهیه کرده است این پل که بطور افقی در زمینه وسط تصویر کشیده شده بر روی رودخانه قزل اوزن قرار دارد و بر روی آن کاروان هیئت نمایندگی آلمان مشاهده می گردد که از طرف راست به چپ پل را طی می کند. از تاریخ دقیق احداث این پل که در قرون سوم و چهارم هجری وجود داشته اطلاعی در دست نیست. این پل در دوره صفویه به دستور شاه

طهماسب اول تعمیر یا تجدید بنا شده است .

ماکسیم سیرو در مورد قدمت این پل می نویسد: «ساختمان عمده ای که بین اردبیل و زنجان قرار دارد پلی است که روی قزل اوزن به وسیله شاه طهماسب اول ساخته شده است» احتمالاً نویسنده محترم از سوابق پردلیس اطلاعی نداشته و به همین دلیل ساختمان آن را به شاه طهماسب نسبت داده است با توجه به شواهد معتبری که پیش از صفویه درباره این پل وجود دارد می توان بایقین اظهار داشت که این پل به علت خرابیهای که یافته بود در دوره سلطنت شاه طهماسب اول باسازی گردد. این پل پردلیس به دستور شاه طهماسب اول باسازی گردد. این پل که ظاهراً تا سالهای بعد از انقلاب مشروطیت سالم مانده بود در حدود سالهای 1338-1339 هجری قمری به دستور محمد تقی خان امیر تومان ملقب به سطوت الممالک برای جلوگیری از ورود عشایر غارتگر خلخال با موادمفجره ویران شد. پل پردلیس با این که یکی از آثار ارزشمند تاریخی آذربایجان شرقی است متأسفانه از سوی میراث فرهنگی استان شناسایی نشده و حفاظت نمی شود. امید که سازمان میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی و استان اردبیل به این اثر ارزشمند تاریخی توجه کند.



